

نقد و بررسی روایات "قلیل الحدیث" بودن امام

سجاد(ع)

^۱ رضا مسرور

^۲ دکتر غلامرضا رئیسیان

چکیده

ائمه معصومین (علیهم السلام) و از جمله امام سجاد(ع)، با توجه به منصب مهم الهی که عهده‌دار بودند، در راستای حفظ، رشد و نمو اسلام و نیز هدایت مردم، تلاش‌های بسیار نموده‌اند. از جمله آن تلاش‌ها، سخنان و احادیث فراوان است که با توجه به فعالیت‌های گسترده آنها، کثیر الحدیث بودنشان امری انکارناپذیر به نظر می‌رسد؛ ولی همانگونه که در تاریخ حدیث گزارش شده، گاهی افرادی جهت تضعیف شخصی، حدیثی جعل و یا از روی خطا و تدلیس تغییراتی در متن حدیث ایجاد کرده‌اند. در نتیجه مطلبی نادرست ارائه و به دست متأخرین رسیده و بر این اساس قضاوت‌های نادرستی (بویژه از سوی خاورشناسان) ارائه شده است. نسبت به امام سجاد(ع) نیز، روایاتی با صفت "قلیل الحدیث" بودن جعل شده است. این مقاله در صدد بررسی و نقد این روایات و مبراً دانستن آن حضرت، از صفت "قلیل الحدیث" بودن با ارائه ادله گوناگون است.

کلیدواژه‌ها: امام سجاد(ع)، قلیل الحدیث، زهری، باغندی، جعل حدیث، تدلیس.

^۱. دانشجوی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد / re_ma865@yahoo.com

^۲. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد / raeisian42@yahoo.com

طرح مسأله

از آنجایی که در فرهنگ مسلمانان، محدث و کثیر الحديث بودن یکی از افتخارات برای هر فردی به شمار می‌آمد، هر کسی که احادیث زیادی را شنیده و اجازه نقل آنها را داشته و شیخ حدیث افراد بیشتری بوده، از منزلتی والا برخوردار بوده است، مردم به این شخص و احادیثش اعتماد می‌کردند که این امر حاکی از جایگاه والای علمی وی در عصر خویش است. مسلماً، امام سجاد (ع) به عنوان یکی از دریافت کنندگان حقیقی معارف و حیانی، رهبر و امام شیعیان عصر خود، عالم برجسته زمان خویش، علاوه بر این که علوم زیادی را از پدران گرامی‌اش به ارث برده، خود نیز مطمئن‌ترین منبع صدور حدیث بودند و همچنین با گستردگی زمینه فعالیتها در جهت هدایتگری، احادیث زیادی را نقل کرده‌اند.

از سوی دیگر روایاتی دالّ بر "قلیل الحديث" آن بزرگوار نقل شده است ولی آیا این احادیث را می‌توان پذیرفت؟ از آنجا که ائمه همواره در مقابل اهداف حکومتی‌های جور بودند، حاکمان و حامیان آنها در جهت تضعیف شخصیت و جایگاه ائمه دست به هر عملی می‌زدند که از جمله آن جعل حدیث بوده؛ لذا روایات دالّ بر "قلیل الحديث" بودن امام سجاد (ع) را ممکن است از این منظر و یا از باب تدلیس در آن، مورد ارزیابی قرار داد. در این نوشتار، با نقد و بررسی روایات وارده در این خصوص و نشان دادن ضعف آنها، بطلان قضاوت‌هایی همچون قضاوت ئی‌کولبرگ خاورشناس (ئی‌کولبرگ، ۲۰۰۲م، ج ۶، ص ۴۸۲-۴۸۳) - که مبتنی بر چنین روایاتی است - روشن می‌شود.

قلیل الحديث بودن علی بن الحسین (ع)

در تعداد معدودی از روایات (تنها چهار روایت)، صفت قلیل الحديث به امام سجاد (ع) نسبت داده شده است. در ابتدا منابعی که این امر را گزارش کرده‌اند، معرفی می‌شوند:

منابع روایات:

الف) قدیمی‌ترین و اولین منبعی که به آن دست یافتیم کتاب: *تاریخ اسماء الثقات* اثر عمر بن احمد بن شاهین (م ۳۸۵ق)، که وی به نقل از زهری موضوع *قلیل الحدیث* بودن را گزارش کرده است: "نا محمد بن محمد بن سلیمان الباغندی نا محمد بن یحیی بن ابی عمر العدنی قال نا سفیان عن الزّهری قال ما رأیت هاشمياً أفضل من علی بن الحسین ولكن كان قليل الحديث." (ابن شاهین، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۴۰)

ب) سپس علی بن حسن بن عساکر (م ۶۰۰ق) در کتاب *تاریخ دمشق*، به نقل از زهری و ابوزرعه، قَلّت روایت را به امام سجاد (ع) نسبت داده است: "أخبرنا أبو القاسم بن السمرقندی نا أبو بکر نا أبو الحسن نا عبدالله نا یعقوب نا محمد بن ابی عمر نا سفیان قال قال الزّهری ما رأیت هاشمياً أفضل من علی بن حسین قال سفیان وقال الزّهری ما كان أكثر مجالستی علی بن الحسین وقال أبو زرعة مع علی بن الحسین وما رأیت أحداً كان أفقه منه ولكنّه [وقال أبو زرعة ولكن] كان قليل الحديث." (ابن عساکر، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۲)

ج) بعد از ابن عساکر، در کتاب *المعرفة و التاریخ* اثر ابویوسف بسوی (م ۷۹۸ق) به نقل از زهری *قلیل الحدیث* بودن امام سجاد (ع) بیان گردیده است. "حدثنا محمد بن ابی عمر قال: حدثنا سفیان قال: قال الزّهری: ما رأیت هاشمياً أفضل من علی بن حسین. وقال الزّهری: ما كان أكثر مجالس علی بن حسین وما رأیت أحداً كان أفقه منه، ولكنّه كان قليل الحديث." (بسوی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۱۳۲)

د) در نهایت، ابن حجر (م ۸۵۲ق) در *تهذیب التهذیب* به نقل از زهری این نسبت را بیان کرده است. "قال ابن عیینة عن الزّهری أيضاً ما رأیت أحداً كان أفقه منه ولكنّه كان قليل الحديث." (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۲۶۹)

در منابع بعدی نیز، همین روایات آمده است. (ذهبی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۳۸۹/ مزی ۱۴۰۰ق، ج ۱۳، ص ۲۳۹/ ذهبی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۷)

بررسی روایات

برای آشکار شدن حقیقت و اینکه تا چه اندازه این نسبت درست و با واقعیت سازگار است؛ روایات، از دو جنبه سندی و متنی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بررسی سندی روایات:

الف) مرسل بودن روایت آخر: زیرا ابن حجر عسقلانی روایت را از ابن عیینه (م ۱۹۸ق) نقل می‌کند، در حالی که بین وفات او (م ۸۵۲ق) با ابن عیینه فاصله زمانی زیادی است و نیاز به ذکر سلسله راویان در سند حدیث است.

ب) وجود راویان متهم، در سلسله اسناد:

۱) یکی از این راویان که متهم به کذب و کثرت خطا و تدلیس و مخلط بودن است: ابوبکر محمد بن محمد بن سلیمان باغندی می‌باشد.

ابن حجر عسقلانی در *لسان المیزان* با نقل قول دانشمندان او را با این صفات معرفی کرده است:

ابوبکر باغندی، وی فردی مدلس است. ابن عدی گفته: امیدوارم باغندی در دروغ‌گویی اش تعمّدی نداشته باشد، اسماعیلی گفته: او را متهم نمی‌کنم، ولی او فردی مدلس و مصحف بوده. سلمی گفته است: از دارقطنی درباره باغندی پرسیدم، گفت: او فردی مخلط و مدلس است، ابن عدی نیز گفته به نقل از موسی بن قاسم از ابراهیم اصبهانی: ابوبکر باغندی کذاب است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۷۱). منابع دیگری نیز وی را با این صفات معرفی کرده‌اند. (نگا: ذهبی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۶۱/ صفدی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۴۸/ ابن، عساکر، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۱۱۸/ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۴، ص ۲۶)

۲) دومین راوی متهم: محمد بن مسلم بن عبیدالله بن عبدالله بن شهاب القرشی، الزهّری، ابوبکر المدنی است، که وی را محمد بن شهاب می‌خوانند. (تفرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۶۶)

توّلّد او را به سال ۵۲ هجری ذکر کردند (طوسی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۳۷/ خویی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۱۲/ تفرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۶۶)، وی را در شمار راویان امام سجاد (ع) (ذهبی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۳۸۶/ مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۳، ص ۲۳۷/ خویی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۱۲) و دیگرانی چون: جابر بن عبدالله انصاری، انس، سهل بن سعد، و ابی الطفیل عامر نامبرده‌اند. (باجی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۳۹۶)

زهري به عنوان یکی از "کبار الفقهاء و الحفاظ و المحدثين" معرفی گشته، به شام رفته، به عنوان عالم درباری ملازم عبدالملک بن مروان و هشام بن عبدالملک و یزید بن عبدالملک بوده و نیز از اصحاب امام علی بن الحسین (ع) (ابن داود حلی، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۱۷۹) و امام جعفر صادق (ع) دانسته شده است. (خویی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۱۲/ تفرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۶۶) از او روایاتی در «الکافی» و «من لا یحضره الفقیه» و «تهذیب الاحکام» ذکر شده و در نهایت او در سال ۱۲۴ هجری وفات یافته است. (طوسی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۳۷/ خویی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۱۲/ تفرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۶۶/ باجی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۶۳۹)

در میان رجال شناسان شیعه، وی مذمت شده و با عبارت "عدو" از او یاد شده است. (طوسی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۲۰/ علامه حلی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۵۰/ مامقانی، ۱۳۵۲ق، ج ۱، ص ۲۳۱) آیت الله آقا حسین طباطبایی بروجردی، شیعه دانستن وی را محل تأمل می‌داند. (بروجردی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۹، با این تغییر: و ذکرنا هناک إلی کونه من الشيعة، وفيه تأمل) روایاتی جعلی نیز از او در مورد پیامبر (ص) و حمزه سید الشهداء و امام علی (ع) ذکر شده است. (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۸/ ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۲، ص ۱۳۵)

در میان اهل سنت کسانی مانند ابن ابی الحدید، او را نکوهش کرده‌اند. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۴ق، ج ۴، ص ۶۴-۱۰۲)، حتی ذهبی او را متهم به تدلیس نموده است. (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۴، ص ۴۰، محمد بن مسلم الزهري الحافظ الحجة، کان یدلس فی التّأدر)، وی در بعضی از کتب رجالی اهل سنت مدح شده است، برخی از آنها نیز

مربوط به حاکمان چون عمر بن عبدالعزیز است (ابن خلدون، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۲۹/ ابن حبان، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۴۹) که بیانگر رابطه نزدیک و خدمات او به دستگاه اموی است، گفته شده که او مورد توجه ویژه هشام بن عبدالملک بوده است. (همان)

وجود راویان متهم به جعل حدیث، تدلیس، کذب و کثیر الخطا بودن که همگی دلالت بر ضعف این راویان دارد و از طرفی دیگر مرسل بودن روایات (دو روایت)، باعث ضعف هر چه بیشتر این روایات و در نتیجه عدم اطمینان به صحت آنها می‌باشد.

بررسی متن روایت

علاوه بر ضعف سندی، نشانه مهم دیگری بر ضعف این روایات، بررسی محتوایی و فقه الحدیثی آن است که همراه با ارائه شواهدی جعلی بودن آنها را آشکارتر می‌سازد.

الف) اضطراب در متن:

اضطراب متن از نشانه‌های ضعف احادیث است که در این روایت نیز وجود دارد: نقل زهری درباره قلیل الحدیث بودن در قدیمی‌ترین منبع یک بار با عبارت "قال ما رأیت هاشمياً أفضل من علی بن الحسین ولكن كان قلیل الحدیث" (ابن شاهین، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۴۰) و بار دیگر با عبارت: "ما كان أكثر مجالستی علی بن حسین وما رأیت أحداً كان أفقه منه، ولكنه كان قلیل الحدیث." (بسوی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۱۳۲/ ابن عساکر، ۱۴۱۷ق، ج ۴۱، ص ۳۷۲) آمده است.

از طرفی، در منابع دیگر (بسوی، همان/ ابن عساکر، همان/ مفید، بی تا، ج ۲، باب ۷/ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص: ۲۱۵/ ذهبی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۳۸۹) عبارت "قال ما رأیت هاشمياً أفضل من علی بن الحسین" به تنهایی و بدون ذکر "ولكن كان قلیل الحدیث" آمده است وحتی عبارت "ما كان أكثر مجالستی علی بن حسین وما رأیت أحداً كان أفقه منه، ولكنه كان قلیل الحدیث." از قول ابوزرعه نقل گردیده است. (ابن عساکر، ۱۴۱۷ق، ج ۴۱، ص ۳۷۲)

ب) مخالفت گزارش ارائه شده با واقعیتها و گزارشات تاریخی:

با توجه به جایگاه بالای علمی و فقهی امام سجاد(ع) و محل رجوع بودن ایشان، فعالیت‌های حدیثی و تربیت شاگردان فراوان توسط آن حضرت و گزارشات تاریخی، این امر به ذهن می‌رسد که امام، نمی‌تواند قلیل الحدیث باشد، زیرا آثار گرانبهائی از ایشان رسیده است.

۱. جایگاه بالای علمی و فقهی علی بن الحسین(ع):

امام سجاد(ع) وارث علوم نبوی و گنجینه علوم الهی و عالم‌ترین فرد زمان خود بوده و دانشمندان و همعصران آن حضرت نیز اعتراف به جایگاه رفیع فقهی و علمی ایشان داشته‌اند. مسلماً کسی که فقیه‌ترین اهل مدینه معرفی می‌شود (ابن عساکر، ۱۴۱۷ق، ج ۴۴، ص ۱۵۷/ ذهبی، ۱۳۷۴ق، ج ۱، ص ۷۵ و ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۳۸۹/ ابن حماد حنبلی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۷۵/ بسوی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۳۰۰/ ابن کثیر، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۱۱۱/ ابن خلدون، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۸۳/ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۹۳/ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۲۶۹/ مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۳، ص ۲۳۹). و در شمار علمای برجسته عصر خویش شناخته می‌شده، بایستی محل رجوع دیگران باشد و احادیث فراوانی از او به یادگار بماند و علمای همعصر و بعد از آنها بهره ببرند. گواه این سخن، کلام شیخ مفید است که می‌گوید: علی بن الحسین(ع) پس از پدرش از نظر علم و عمل بالاتر از همه خلق خدا بود، حتی فقه‌های عامه، علوم زیادی را از آن بزرگوار نقل کرده‌اند که قابل شمارش نیست و به قدری مواعظ و ادعیه و فضایل قرآن، احکام حلال و حرام و مطالب مربوط به جنگها و حوادث ایام از ایشان ضبط کرده‌اند که بین دانشمندان مشهور و زبانزد است. (مفید، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۲)

در اینجا به بعضی از اعترافات دانشمندان به جایگاه والای علمی آن حضرت اشاره می‌شود:

نافع بن جئیر (م ۹۹ ق): خطاب به امام سجاد(ع) گفته است: "انت سید الناس و افضلهم." (ابن عساکر، ۱۴۱۷ق، ج ۴۴، ص ۱۵۶/ ابونعیم اصبهانی، ۱۴۰۵ق، ج ۳،

ص ۱۳۷ / ابن کثیر، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۱۱۱ / ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۹۲ / ذهبی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۳۸۸

یحیی بن سعید (م ۱۴۳ق) نیز ایشان را یکی از فقهای بنام مدینه می‌داند. (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۹، ص ۲۹۸)

ابوبکر بن برقی (م ۲۴۹ق) در باره امام گفته است: "وكان افضل اهل زمانه. . . ما رأيت هاشمياً افضل منه." (ابن عساکر، ۱۴۱۷ق، ج ۴۴، ص ۱۶۰ / ذهبی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۳۰۹ / مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۳، ص ۲۴۰)

ابن حبان: "وكان من افاضل بني هاشم، من فقهاء المدينة و عبادهم." (ابن حبان، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۱۰ و ۱۵۹)

شمس الدین محمد بن طولون، مورخ دمشق (م ۹۵۳ق): "و هو من سادات التابعين و من فقهاء و اتقياء المدينة و فضائل زين العابدين و مناقبه اكثر من أن تحصى." (ابن طولون، ۱۳۷۷ق، ص ۷۵-۷۸)

محيي الدين بن يحيى بن شرف نووی: "واجمعوا على جلالة في كل شيء." (نووی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۷۲)

محمد بن عبد الباقي زرقانی: "على بن الحسين بن علي بن ابي طالب الهاشمي، زين العابدين، ثقة، ثبت، عابد، فقيه، فاضل، مشهور." (زرقانی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۳۰)

نکته قابل توجه و تأمل، اعترافات زهری به عنوان ناقل اصلی روایات مورد بحث در مورد جایگاه علمی امام سجاد (ع) است.

"كان اكثر مجالستي مع علي بن الحسين و ما رأيت احداً كان افقه منه." (ابن عساکر، ۱۴۱۷ق، ج ۴۴، ص ۱۵۷ / بسوی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۳۰۰ / ابن کثیر، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۱۱۱ / ابن خلدون ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۸۳ / ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۹۳ / ذهبی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۳۸۹ / مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۳، ص ۲۳۹)، "مارأيت قرشياً افضل منه ولا

افقه" (ذهبی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۷)، "ما رأیت قطّ افضل من علی بن الحسین." (ابن عساکر، ۱۴۱۷ق، ج ۴۴، ص ۱۶۰)

با توجه به این اعترافات حتی از سوی معاصران امام بزرگوار، بویژه شخص زهری، قلیل الحدیث بودن ایشان محل خدشه است. خصوصاً با ذکر فعالیت‌های گسترده امام سجاد در زمینه‌های علمی و حدیثی که در ادامه می‌آید.

۲. فعالیت‌های علمی و حدیثی امام سجاد(ع)

آشکارترین دلیل در ضعف متنی روایات، شواهد و گزارشات تاریخی مبنی بر فعالیت‌های حدیثی امام سجاد(ع) است که بیانگر کثیر الحدیث بودن این امام بزرگوار می‌باشد. برگزاری مجالس علمی و حدیثی، سخنرانی‌های مختلف، فعالیت‌های گسترده نسبت به نشر حدیث، درباره ایشان گزارش شده است.

شاهد برگزاری مجالس علمی روایات ذیل است: عبدالله بن حسن روایت کرده است: مادرم فاطمه دختر حسین (ع) همیشه به من توصیه می‌کرد که با دایی خود علی بن الحسین (ع) مجالست کنم و من هرگز نشد که با او همنشینی کنم، جز اینکه از محضرش سود بردم و خشیت و خوف او از خداوند موجب ترس من از خدا شود یا از علم و دانش او بهره‌مند شوم. (مفید، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۶)

امام سجاد(ع) در مجالس درس و بحث حضور می‌یافتند و پس از تدریس وقتی می‌خواستند از جای برخیزند سوره‌ای می‌خواندند و پس از ختم سوره، دعا می‌کردند و شاگردان او آمین می‌گفتند. (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۵، ص ۱۶۰)

نکته مهم بحث‌های حدیثی ایشان و حضور علماء در محافل امام است. در جلسات درس امام علی بن الحسین (ع) در مدینه، عده بسیاری شرکت می‌جستند و حتی اصحاب کهنسال از وی حدیث می‌آموختند و یا آموخته‌های خود را مورد بازبینی و تأیید قرار می‌دادند، برخی یاران می‌آمدند و برای ایشان حدیثی می‌خواندند و امام به آن سخنان گوش می‌داد، اگر درست و مستند بود، تأیید می‌نمودند. (سپهر، بی تا، ج ۲، ص ۵۲)

فقها و قاریان در اطراف حضرت سجاد(ع) حلقه می‌زدند و در سفر و حضر از ایشان جدا نمی‌شدند، چنین بود که هرگاه قصد سفر به بیت الله الحرام می‌فرمودند، بیش از هزار دانشمند و قاری امام را همراهی می‌کردند. (کشی، ۱۳۴۸ق، ج ۱، ص ۳۳۳) سعید بن مسیب و قاسم بن محمد بن ابی‌بکر که از فقهای مدینه به شمار می‌رفتند، در ردیف شاگردان امام سجاد(ع) بودند و در محضر ایشان حاضر می‌شدند. (همان، ص ۱۱)

حضور عالمان بزرگ اهل سنت در مجالس علمی آن حضرت، بیانگر جایگاه والای علمی و فعالیت‌های مفید علمی و حدیثی ایشان است. در محضر درس آن حضرت حتی گروه‌هایی از اهل سنت و گاهی از دوستداران بنی‌امیه حضور داشتند، زهري از بزرگان علم و فقه آن روزگار، وابسته به دربار از جمله این افراد بود. (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۴ق، ج ۸، ص ۱۷۲)

فعالیت‌های حدیثی و علمی امام بنابر نقل تاریخ، محدود به برپایی مجالس درس و مباحث فقهی و علمی نبوده است، بلکه از جمله فعالیت‌های حدیثی و عام گونه امام، می‌توان گزارشات تاریخی ذیل را بیان کرد:

گفتگوهای همیشگی امام علی بن الحسین(ع)

علي بن الحسين و عروة بن زبير هر شب در انتهای مسجد پیامبر(ص) به گفتگو می‌نشستند.

(ابن عساکر، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۲۱)

خطبه سرایی امام زین العابدین(ع):

حضرت سجاد(ع) در تمام جمعه‌ها به مسجد رسول خدا (ص) آمده و یک خطبه عمومی را برای مردم ایراد می‌کردند و در این خطابه مردم را موعظه می‌فرمودند و آنان را به زهد و تقوا و آخرت ترغیب می‌کردند و مردم سخنان ایشان را به خاطر می‌سپردند و می‌نوشتند. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ش، ص ۲۸۴)

با توجه به گستردگی فعالیت‌های حدیثی و علمی آن حضرت، می‌توان گفت که وی قلیل الحدیث نبوده است و اطلاق صفت "محدث" درخور ایشان است، همانگونه که

ابوزهره این امر را آشکارا بیان نموده است: زین العابدین فقیه بود، همان‌گونه که محدث بود. شباهتی به جدش علی بن ابی طالب در قدرت و احاطه بر مسائل فقهی از تمام جوانب و فروع مسائل داشت. (ابوزهره، ۱۹۵۹م، ص ۳۱)

۳. تربیت شاگردان فراوان

گواه مهم دیگری بر بطلان ادعای "قلیل الحدیث" بودن آن حضرت و در راستای فعالیت‌های علمی و حدیثی ایشان تربیت شاگردان برجسته و فراوان است، به گونه‌ای که شیخ طوسی، ۱۷۱ نفر را در زمره اصحاب و شاگردان و راویان آن حضرت ذکر کرده است. (کشی، ۱۳۴۸ق، ج ۱، ص ۱۲۰-۸۱) از میان شاگردان می‌توان افراد برجسته ذیل را نام برد که هر یک از راویان سخنان امام نیز بوده‌اند: ثابت بن دینار، معروف به ابوحمزه ثمالی، یحیی بن امّ الطویل، قاسم بن محمد بن ابی بکر که از فقهای مدینه به شمار می‌رفت. اینان از شاگردان امام سجاد (ع) بودند و در محضر ایشان حاضر می‌شدند. (همان، ص ۱۱) و دیگری چون:

- ابوخالد کابلی:

امام صادق (ع) او را از افراد مورد اعتماد نزد امام سجاد (ع) برشمرده‌اند، وی به عنوان یکی از حواریون امام سجاد (ع) خوانده شده است. (مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۶۱)

- سعید بن جبیر:

وی از اصحاب سرشناس امام سجاد (ع) بود و از نظر علمی، جایگاه رفیعی در بین مردم داشت، چنانکه درباره وی آمده است: بر روی زمین کسی نیست که به دانش فرزند جبیر نیازمند نباشد. (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۷۶)

- سعید بن مسیب:

امام سجاد (ع) درباره وی می‌فرمایند: او به آثار گذشتگان از همه داناست و در زمان خویش نیز از همه آگاه‌تر بود. (کشی، ۱۳۴۸ق، ج ۱، ص ۱۱۵)

- ابان بن تغلب:

وی در میان شاگردان امام سجاد (ع) از درخشان‌ترین چهره‌های علمی و فقهی به شمار می‌رفت، گروهی از عالمان اهل سنت چون: ابن سعد، ابن حجر، ابن حیان، ذهبی و... با وجود اعتراف به امامی بودن او، وی را امین و روایاتش را قابل اعتماد شمرده‌اند. (مامقانی، ۱۳۵۲ق، ج ۱، ص ۴)

نکته ظریف خرید بردگان فراوان توسط امام سجاد و آزادسازی آنان پس از تعلیم آموزه‌های دینی و مبلغ شدن آنها در نقاط مختلف است و همین امر کافی است تا امام سجاد (ع) به واسطه نقل سخنانشان از سوی آنها کثیر الحدیث باشند. تاریخ گزارش می‌دهد:

برخی از غلامان آن حضرت به درجه تبلیغ دینی ارتقاء می‌یافتند و سپس امام آنها را آزاد می‌کرد، حضرت سجاد (ع) آنها را در بُعد اخلاق و عمل کارآمد می‌نمود، بعد آزاد می‌کردند. این بردگان آزاد شده در نقاط مختلف کشورهای اسلامی پخش می‌شدند و به نشر تعالیم اسلامی و احکام آن می‌پرداختند، عده بردگانی را که به تبلیغ می‌پرداختند تا ۵۰ هزار نفر نوشته‌اند. (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۹۸)

آیا، با وجود این تعداد شاگرد و برده و در نتیجه، بیان سخنان از سوی ایشان، امام می‌تواند "قلیل الحدیث" باشند؟

ج) ناسازگاری "قلیل الحدیث" بودن با فراوانی آثار به جا مانده از امام سجاد (ع)

مطلب دیگری که ادعای فوق را بی اعتبار و کثیر الروایه بودن امام را ثابت می‌کند، آثار به جا مانده از سوی آن حضرت است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱. **صحیفه سجادیه:** از کتاب‌های دعاست که امام بسیاری از معارف الهی را در آن بیان کرده است.

۲. **رساله حقوق:** از دیگر آثار گرانبساز آن حضرت که جامع آداب سلوک فردی و اجتماعی است و محور شرح و بسط زیادی قرار گرفته است، رساله حقوق آن حضرت است. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ش، ص ۲۵۵)

۳. **مناسک الحجّ**: یکی دیگر از کتب آن حضرت مناسک حج است که فرزندان آن حضرت این کتاب را نقل کرده‌اند و در بغداد نیز به چاپ رسیده است. (حسینی جلالی، ۱۳۷۲ش، ص ۱۵۱)

۴. **الجامع فی الفقه**: عنوان یکی دیگر از آثار آن حضرت است که ابوحمزه ثمالی نقل کرده است. (نجاشی، بی تا، ص ۱۱۶)

۵. **صحیفه الزهد**: کتاب دیگری است که توسط ابوحمزه ثمالی نقل شده است. (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۱۷)

۶. کتاب دیگری که توسط داود بن یحیی بن بشیر از آن حضرت نقل شده، کتاب حدیثی است که امام سجاده (ع) آن را گردآوری نموده است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۳)

۷. **کتاب علی بن الحسین (ع)**: از دیگر آثار امام، کتابی است بنام «کتاب علی بن الحسین» این کتاب، همانند بسیاری از کتب مهم اسلامی دیگر، از دست رفته است و ما به قسمت کمی از آن دست یافتیم. (نمونه‌هایی از آن را می‌توان در کتاب ناسخ التواریخ سپهر دید که امام باقر (ع) به وجود چنین کتابی تصریح می‌کنند. (سپهر، بی تا، ج ۲، ص ۹۴۷)

۸. نسخه ابومقدام ثابت بن هرمز عجلی حداد که در بردارنده‌ی روایات علی بن الحسین (ع) است. (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۸۳)

۹. دعای سحر مشهور به دعای ابوحمزه ثمالی: این دعا را امام زین العابدین (ع) در سحرهای ماه رمضان می‌خواند. در این دعای طولانی، آن حضرت در پیشگاه خداوند به راز و نیاز و استغاثه و مناجات با پروردگار خود پرداخته‌اند. متن این دعا نشان از مقامات معنوی و عرفانی والای آن حضرت دارد.

۱۰. زیارت امین الله: این زیارت نامه، با بیان فصیح و بلیغ دربار، مقام و منزلت امیر مؤمنان علی (ع) و مناجات و راز و نیاز با خداوند بیان شده است.

به جز این آثار، روایات بسیاری از امام، در میان آثار شاگردانشان موجود است. با وجود این همه آثار و روایت به جای مانده از امام زین العابدین(ع) و کتابهایی چون صحیفه سجاده و رساله حقوق، قلیل الحدیث بودن امام، غیر ممکن به نظر می‌رسد و وجود احادیث فراوان از امام علی بن الحسین(ع) در منابع حدیثی برجسته شیعی و سنی، خود گواهی روشن بر بطلان این ادعا است.

د) کثرت روایات امام سجاد(ع) در منابع حدیثی برجسته شیعی و سنی

امام سجاد از بسیاری از بزرگان حدیث نقل روایت کرده است: از پیامبر اکرم(ص) و امام علی بن ابی طالب به صورت مرسل، از امام حسن بن علی، امام حسین بن علی (پدر بزرگوارش)، عبدالله بن عباس، صفیه (ام المؤمنین)، عایشه، ابورافع و متقابلاً افرادی چون: محمد بن علی (امام باقر)، زید بن علی، ابو حمزه ثمالی، یحیی بن سعید، ابن شهاب زهری، زید بن اسلم و ابوالزناد از امام سجاد حدیث نقل کرده‌اند. (ذهبی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۳۸۶/ مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۲۳۷/ ئی کولبرگ، ۲۰۰۲م، ج ۶، ص ۴۸۲-۴۸۳)

احادیث امام سجاد(ع) در منابع اهل سنت:

تمام صحاح ششگانه (صحیح بخاری، صحیح مسلم، جامع الصحیح ترمذی، سنن ابوداود، سنن نسائی، سنن ابن ماجه) و مسانید اهل تسنن از ایشان حدیث نقل کرده‌اند. بخاری در کتاب خود در ابواب تهجد، نماز جمعه، حج و بعضی از مسائل تاریخی و مسلم نیز در کتاب خود در مباحث صوم، حج و فرائض، فتن، ادب و سایر مسائل تاریخی از آن حضرت حدیث نقل کرده‌اند. (ابن منجویه اصفهانی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۳)

مسند احمد بن حنبل: ۱۱ روایت، صحیح بخاری: ۸ روایت، صحیح مسلم: ۵ روایت، سنن ابن ماجه: ۸ روایت، سنن ابوداود سجستانی: ۱ روایت، سنن ترمذی: ۳ روایت، سنن نسائی: ۵ روایت، مستدرک حاکم: ۲۹ روایت، سنن بیهقی: ۴۰ روایت، کنز العمال: ۵۶ روایت و در مجموع: ۱۵۴ روایت.

قابل ذکر است تعداد روایات امام سجاده (ع) با در نظر گرفتن حذف روایت تکراری در یک منبع یا در چند منبع و سخنان شخصی ایشان، در این منابع ۱۰۵ روایت می‌باشد. این در حالی است که تعداد روایات دیگر ائمه در منابع اهل سنت - بدون حذف روایت تکراری - کمتر است، به عنوان نمونه: حضرت فاطمه (س) در همان یازده منبع ذکر شده دارای ۹۴ روایت، امام حسن ۱۰۰ حدیث، امام حسین ۱۳۶ روایت، امام کاظم (ع) ۱۸ حدیث و امام رضا (ع) ۷ روایت می‌باشند. (لازم به ذکر است آمار ارائه شده بر اساس شمارش در منابع بر اساس نرم افزار المكتبة الشاملة می‌باشد)

روایات آن حضرت در منابع شیعه بیش از سیصد روایت است. تنها در کتب اربعه احادیث فراوانی وجود دارد: کافی: ۱۸۱، تهذیب: ۵۸، من لایحضر الفقیه: ۵۸، الاستبصار: ۱۰.

(و) ناسازگاری صفت "قلیل الحدیث" با صفات "کثیر الحدیث" و "محدث" برای امام سجاده (ع)

حسن ختام و دلیل مهم دیگری بر بطلان "قلیل الحدیث" امام سجاده، اعتراف بزرگان حتی اهل سنت و خاورشناسان به صفات "کثیر الحدیث" و "محدث" بودن آن حضرت است:

محمّد بن سعد بصری (م ۲۳۰ هـ): "و کان علیّ بن الحسین ثقة مأموناً کثیر الحدیث عالیاً رفیعاً ورعاً." (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۵، ص ۲۲۲)

شهاب الدّین نویری (۷۳۳ ق.): "کان رحمه الله ثقة ورعاً مأموناً کثیر الحدیث من أفضل أهل بیته و أحسنهم طاعة." (نویری، ۱۴۲۶ق، ج ۲۱، ص ۳۲۴)

ابن عساکر شافعی دمشقی: "کان علی بن حسین ثقة مأموناً کثیر الحدیث عالیا رفیعاً." (ابن عساکر، ۱۴۱۷ق، ج ۴۱، ص ۳۶۲)

محمد خواجه پارسای بخاری: "(علیّ بن الحسین) مردی ثقة و امین، کثیر الحدیث، عالی و رفیع بود. علما در جلالتش در هر چیز، اجماع نموده‌اند." (فندوزی، ۱۳۸۴ق، ج ۲، ص ۴۵۴).

مسعودی می‌نویسد: حضرت سجاد(ع) دو سال و چند ماه از زندگی جدّ بزرگوارش امیرالمومنین را درک کرد و از ایشان روایات زیادی را نقل کرده است. (مسعودی، بی تا، ص ۱۷۴).

چیتیک می‌نویسد: "او زندگی خویش را وقف آموزش و عبادت کرد و یکی از مراجع در حدیث نبوی و فقه شد". (سی چیتیک، ۱۳۸۵ش، ص ۶۱)

ابوزهره: زین العابدین فقیه بود، همان‌گونه که محدّث بود. شباهتی به جدّش علی بن ابی طالب در قدرت و احاطه بر مسائل فقهی از تمام جوانب و فروع مسائل داشت. (ابوزهره، ۱۹۵۹م، ص ۳۱)

با توجّه به دلایل ذکر شده بطلان ادعای "قلیل الحدیث" بودن آن حضرت آشکار شده است.

منشأ جعل حدیث:

۱. تدلیس و تخلیط از سوی محمّد بن محمّد بن سلیمان باغندی

به دو دلیل می‌توان محتمل دانست که عبارت "ولکنه قلیل الحدیث" از سوی باغندی به متن اصلی روایت اضافه شده است.

الف) شخصیت باغندی:

با توجّه به آنچه در کتب رجالی درباره شخصیت باغندی آمده که او را متهم به کذب و کثیر الخطا بودن و تدلیس و مخلط بودن کرده‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۷۱/ذهبی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۶۱/صفدی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۴۸/ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۱۱۸/ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۴، ص ۲۶/دارقطنی، بی تا، ج ۲، ص ۱۴۹)، بعید نیست که عبارت "ولکنه قلیل الحدیث" از سوی او در متن روایت داخل شده باشد و بعدی‌ها متن تدلیس شده او را گرفته و نقل کرده‌اند.

ب) متن روایت باغندی بدون ذکر عبارت "قلیل الحدیث" در منابع دیگر گزارش شده است. (ابن، عساکر، ۱۴۱۷ق، ج ۴۱، ص ۳۸۹/بسوی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۱۳۲/مفید، بی

تا، ج ۲ باب ۷ / اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۲۱۵ / ذهبی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۳۷۲) که این امر، تدلیس صورت گرفته از سوی او را تقویت می‌کند.

۲. از جعلیات زهری به عنوان عالم درباری در جهت تضعیف ائمه و امام سجاده (ع)

عبدالملک بن مروان از حاکمان جور اموی (معاصر با امام سجاده ع) به مانند دیگر حکام اموی برای حفظ ظاهر، توجیه ستمگری‌ها و حکومت بر مردم نیاز به عالمان درباری داشت تا به وسیله آنان و جعل حدیث از سوی ایشان، گاه به نفع خود و گاه در ذم ائمه معصومین، زمینه حکومت خود را در جامعه ایجاد کند. یکی از این عالمان درباری، محمد بن شهاب زهری است، وی از مقربان دستگاه اموی است، از هبه‌های فراوان حکام اموی به وی و مدحهای فراوان آنها از او به پاس خدماتش گزارشاتی ذکر شده است. عمر بن عبدالعزیز درباره‌اش می‌گوید: "لم یبق أعلم بسنة ماضية من الزهری." (ابن خلدون، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۲۹)

همچنین در مورد جایگاه او نزد هشام بن عبدالملک گفته‌اند: "وكان معظماً وافر الحرمة عند هشام بن عبد الملك. أعطاه مرة سبعة آلاف دينار." (ابن خلدون، همان / صفدی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۵۹۹)

وی در جهت خدمت به دستگاه اموی احادیث زیادی را جعل کرده است. شخصی به نام معمر گفته است: ما خیال می‌کردیم که از زهری حدیث بسیاری نقل کرده‌ایم تا اینکه ولید (فرزند عبدالملک بن مروان) کشته شد، پس دفترهای زیادی را دیدیم که بر چارپایان حمل و از خزانه ولید خارج می‌شد و می‌گفتند که اینها دانش زهری است. (ابن عساکر، ۱۴۱۷ق، ج ۵۵، ص ۳۴۴ / ذهبی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۳۳۴) "یعنی زهری آنقدر کتاب و دفتر بنا به خواسته دستگاه دولت اموی، از حدیث پر کرده که برای حمل آن نیاز به چارپایان است." (خامنه‌ای، ۱۳۶۱ش، ص ۵۵)

او احادیثی جعلی درباره پیامبر (ص)، حمزه سید الشهداء (شراب خوردن) و حضرت علی (ع) ذکر کرده است. (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۲۶۱ / ذهبی، ۱۹۶۸م، ج ۵، ص ۱۶۶)

ابونعیم اصبهانی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۱۴۴-۱۴۳/ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۴ق، ج ۴، ص ۶۳) که پرداختن به آنها مجال دیگری را می‌طلبد و تنها شاهی گویا بر این مطلب است که او احادیثی را در جهت تضعیف ائمه می‌ساخته است.

می‌توان اظهار داشت که شاید دشمن اهل بیت شمرده شدن او از سوی رجال شناسان شیعه (طوسی، ۱۳۸۰ق، ص ۱۲۰/ علامه حلی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۵۰) به دلیل همین روایات جعلی و نسجیده او باشد. و بعید نیست که روایت "قلیل الحدیث" نیز از جمله احادیث ساختگی او در راستای خدمت به دستگاه جور و تضعیف شخصیت علمی امام سجاد(ع) و تضعیف ائمه باشد، از طرفی امام سجاد(ع) نیز با دیدی باز که از هدف به کارگیری عالمان درباری در دستگاه جور آگاه بودند، خطر را احساس کرده و نامه‌ای تند و انتقادآمیز و البته هدایتگر به زهری نگاشته‌اند، که در منابع گزارش شده است. امام سجاد(ع) خطاب به زهری می‌فرمایند:

... از هرچه در آنی روی گردان (و این دستگاه ستم را رها کن) تا به صالحان و نیکان پیوندی که میان آنها و خدا پرده‌ای نبود و دنیا آنها را نفریفت و آنان هم به دنیا فریفته نشدند. اگر این دنیا این اندازه به دل تو جا کرده، با این سالخوردگی و دانشمندی و دم مرگ! پس جوان نورس که علمش نادانی و رأیش ناتوان است و خردش نپخته است چه کند؟ به که باید اعتماد کرد؟ و نزد چه کسی شکوه برد؟ ما شکایت در دل خود به درگاه خدا کنیم و از آنچه که هم در تو می‌بینیم و مصیبتی که از ناحیه تو به ما رسید به حساب خدا می‌گذاریم، دردی است در این سینه که گفتن نتوانیم. تو را چه شده است که از چرتت بیدار نمی‌شوی و از خطا و لغزش توبه کارانه بر نمی‌گردد؟! (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ش، ص ۳۱۳-۳۱۷)

نتیجه‌گیری

بنا به بررسی که انجام گرفت، بایستی اذعان کرد: اولاً روایات "قلیل الحدیث" بودن امام سجاد(ع) اندک و ثانیاً از لحاظ سندی (وجود راویان مدلس و جاعل و همچنین مرسل بودن این روایات اندک) و محتوایی (اضطراب در متن، مخالف بودن با سیره امام سجاد(ع) و گزارشات تاریخی) ضعیف و غیر قابل اعتماد هستند. ثالثاً دور نیست که روایات یا دچار تدلیس و تحلیط شده‌اند یا به احتمال قوی‌تر از سوی فردی چون زهری، در جهت تضعیف امام سجاد(ع) جعل شده باشد، کسی که از تهمت بستن به پیامبر(ص) و حمزه سید الشهداء ابایی نداشته است. در نتیجه با این وجوه ضعف شدید در این روایات، نمی‌توان بدان‌ها اعتماد و بر اساس آنان در مورد امام سجاد(ع) قضاوت کرد.

منابع و مأخذ

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله؛ شرح نهج البلاغه؛ چاپ اول، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۹۵۹م.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی؛ صفة الصفوة؛ بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۶ق.
۳. ابن حبان، محمد؛ الثقات؛ چاپ دوم، حیدرآباد هند، دائرة المعارف العثمانیه، ۱۴۰۳ق.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی؛ تهذیب التهذیب؛ چاپ دوم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
۵. _____؛ لسان المیزان؛ بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
۶. ابن حماد حنبلی، عبدالحی بن احمد؛ شذرات الذهب؛ بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ق.
۷. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد؛ العبر(تاریخ ابن خلدون)؛ بی جا، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
۸. ابن داود حلّی، حسن بن علی؛ رجال ابن داود؛ تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
۹. ابن سعد، محمد؛ الطبقات الکبری؛ بیروت، دار صادر، ۱۹۶۸م.
۱۰. ابن شاهین، عمر بن احمد؛ تاریخ أسماء الثقات؛ چاپ اول، تونس، الدار السلفیه، ۱۴۰۴ق.

۱۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول عن آل الرسول؛ چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۳ ش.
۱۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ مناقب آل ابی طالب؛ چاپ اول، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. ابن طولون، محمد بن علی؛ الائمة الاثني عشر؛ بیروت، دار صادر، ۱۳۷۷ ق.
۱۴. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن؛ تاریخ مدینة دمشق؛ بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۱۵. ———؛ مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر؛ بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ ق.
۱۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ البداية والنهاية؛ بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۸ ق.
۱۷. ابن منجويه اصفهانی، احمد بن علی؛ رجال صحیح مسلم؛ بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. ابوزهره، محمد؛ الامام زید، حیاته و عصره، آرائه و فقهه؛ بیروت، دار الفکر، ۱۹۵۹ م.
۱۹. ابونعیم اصبهانی، احمد بن عبدالله؛ حلیة الأولیاء؛ بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۵ ق.
۲۰. اربلی، علی بن عیسی؛ کشف الغمة فی معرفه الائمة؛ چاپ اول، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۲۱. امین، محسن؛ اعیان الشیعة؛ بیروت، دار التعارف، ۱۴۰۳ ق.
۲۱. باجی، ابوالولید سلیمان بن خلف؛ التعديل و التجريخ؛ الرياض، دار اللواء، ۱۴۰۶ ق.
۲۲. بروجردي، علی اصغر بن محمدشفيح جابلقي؛ طرائف المقال فی معرفه طبقات الرجال؛ قم، کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی، ۱۴۱۰ ق.
۲۴. بسوی، ابویوسف؛ المعرفة والتاريخ؛ بیروت، الارشاد، ۱۳۹۴ ق.
۲۵. تفرشی، مصطفی بن حسین؛ نقد الرجال؛ چاپ اول، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۸ ق.
۲۶. حسینی جلالی، محمد رضا؛ تدوین السنة الشریفة؛ چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۲۷. خامنه‌ای، سیدعلی؛ پژوهشی در زندگی امام سجاد (ع)؛ چاپ اول، تهران، حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۲۸. خویی، ابوالقاسم؛ معجم رجال الحديث؛ چاپ اول، بیروت، دار الزهراء، ۱۴۰۳ ق.
۲۹. دارقطنی، ابو الحسن؛ موسوعة اقوال ابی الحسن الدارقطنی فی رجال الحديث؛ بی جا، بی نا، بی تا.
۳۰. ذهبی، محمد بن احمد؛ تذکرة الحفاظ؛ بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۳۷۴ ق.
۳۱. ———؛ طبقات الحفاظ؛ بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۸ ق.
۳۲. ———؛ میزان الاعتدال فی نقد الرجال؛ چاپ اول، بیروت، دار المعرفة، ۱۳۸۲ ق.
۳۳. ———؛ سیر اعلام النبلاء؛ چاپ دوم، بیروت، دار الفکر، ۱۳۹۰ ق.

۳۴. زرقانی، محمد بن عبدالباقی؛ شرح الزرقانی علی موطأ الامام مالک؛ بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۷ق.
۳۵. سیهر، عباسقلی خان؛ ناسخ التواریخ حضرت سجاد(ع)؛ چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامیه، بی تا.
۳۶. سی چیتیک، ویلیام، «مقدمه‌ای بر صحیفه سجادیه»، مترجم صفری، مجله علوم حدیث، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۸۵.
۳۷. صفدی، خلیل بن ایبک؛ الوافی بالوفیات؛ استانبول، مطبعة الدوله، ۱۳۸۱ق.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن؛ رجال الطوسی؛ چاپ اول، نجف، انتشارات حیدریه، ۱۳۸۰ق.
۳۹. علامه حلی، حسن بن یوسف؛ ترتیب خلاصه الاقوال فی معرفة الرجال؛ چاپ اول، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۲۳ق.
۴۰. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم؛ ینایع الموده؛ چاپ هفتم، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۴ق.
۴۱. کشی، محمد بن عمر؛ اختیار معرفة الرجال؛ مشهد، مرکز تحقیقات و مطالعات دانشگاه فردوسی، ۱۳۴۸ق.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول الکافی؛ چاپ اول، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۳ق.
۴۲. کولبرگ، ئی؛ دایرة المعارف اسلام؛ مدخل زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب، بی جا، بی تا، ۲۰۰۲م.
- The Encyclopaedia of Islam, new edition, leiden, brill, 2002, volume xi
Zayn AL . ABIDIN ("ORNAMENTOL THE WORSHIPPERS") ALI B.
AL-HUSAIN B. ALI B. ABITALIB
۴۳. مامقانی، عبدالله؛ تنقیح المقال؛ تهران، انتشارات جهان، ۱۳۵۲ق.
۴۴. مزی، یوسف بن الزکی؛ تهذیب الکمال؛ چاپ اول، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۰ق.
۴۵. مسعودی، علی بن الحسین؛ اثبات الوصیة؛ نجف، انتشارات مرتضویه، بی تا.
۴۶. مفید، محمد بن نعمان؛ الاختصاص؛ چاپ دوم، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴۷. ———؛ الارشاد؛ بیروت، موسسه الاعلمی، بی تا.
۴۸. نجاشی، احمد بن علی؛ رجال نجاشی؛ چاپ پنجم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۴۹. نووی، محیی الدین بن شرف؛ تهذیب الأسماء واللغات؛ بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
۵۰. نویری، احمد بن عبد الوهاب؛ نهاية الارب؛ چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۶ق.
۵۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق؛ تاریخ یعقوبی؛ تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بی تا